

# مدل‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک تأثیر گذار بر سیاست خارجی ایران و عراق<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۱۴

محسن خلیلی<sup>۲\*</sup>

جهانگیر حیدری<sup>۳</sup>

هادی صیادی<sup>۴</sup>

حسین اصغری ثانی<sup>۵</sup>

## چکیده

ژنوم ژئوپلیتیک، نقشه عوامل ثابت و متغیر جغرافیایی تأثیرگذار بر سیاست و برخاسته از جغرافیای یک کشور است که سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شناخت دیدگاه‌های ژئوپلیتیک نشأت گرفته از ژنوم‌های ژئوپلیتیک همسایگان و شناسایی کدهای ژئوپلیتیک موجود در کشورهای هدف می‌تواند نقشی مؤثر در اتخاذ سیاست خارجی هم‌راستا با وزن ژئوپلیتیک ایفا کند. با توجه به اشتراک در پیشینه تاریخی، فرهنگی و نژادی عراق با ایران و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این کشور، شناسایی و مطالعه نقشه ژنگان ژئوپلیتیک این کشور برای جهت‌دهی به سیاست خارجی ایران، ضروری است. نگارندگان، با تأکید بر تحلیل کدها و ژنوم‌های ژئوپلیتیک موجود در جغرافیای سیاسی ایران و عراق کوشش کرده‌اند تا در قالب مدلی با عنوان *مدل تقابلی کد/ژنوم‌های ایران و عراق*، پیامدهای این تقابل و تأثیر آن بر سیاست خارجی دو کشور را تحلیل کنند.

**واژگان کلیدی:** ژنوم ژئوپلیتیک، کد ژئوپلیتیک، سیاست خارجی، ایران، عراق.

---

۱. این نوشتار، برگرفته از یک طرح پژوهشی است که در قالب طرح شماره‌ی یک و با شماره‌ی ۲۷۴۶۰، زیر عنوان «پیوند کد/ژنوم

ژئوپلیتیک و سیاست خارجی: ایران و همسایگان» در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲۹، به تأیید معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه فردوسی مشهد رسیده است.

۲. \*دانشیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد. نویسنده مسئول: khalilim@um.ac.ir

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد.

۴. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد.

۵. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد.

## مقدمه

همان‌طور که هر موجودی با توجه به خصیصه‌های انحصاری و ذاتی خود، دارای ویژگی‌هایی است یا هر ماده‌ای، دارای یک طیف تعیین‌شده مشخصه‌هاست که همچون اثرانگشت برای آن ماده منحصر به فرد است و با توجه به این طیف می‌توان ساختار و ویژگی‌های آن ماده مجهول را شناسایی کرد، کشورها نیز، بر اساس ژنوم‌های ژئوپلیتیک منحصر به فرد خود، یک شخصیت سیاسی و طیفی از توان تأثیرگذاری در عرصه سیاست خارجی خود دارند. ژنوم‌های ژئوپلیتیک یک کشور از جانب کشورهای رقیب به‌عنوان کدهای ژئوپلیتیک تلقی شده، از تقابل این ژنوم‌ها و کدها، فضایی استراتژیک بر اساس تعامل یا تضاد، بر یک منطقه جغرافیایی، حاکم می‌شود؛ بازیگران سیاسی و کشورها تحت تأثیر این فضای استراتژیک واکنش‌ها و رفتارهای ژئوپلیتیک خاصی نظیر جنگ، منازعه، همگرایی، واگرایی و رقابت، از خود بروزمی‌دهند. ژنوم‌های ژئوپلیتیک عبارت‌اند از: مشخصه‌ها و عوامل ثابت و متغیر جغرافیایی تعبیه‌شده بر بدنه جغرافیایی سیاسی و طبیعی یک کشور که تحت تأثیرهای مثبت و منفی این عوامل بر قدرت ملی کشورهاست که از ژئوپلیتیک به‌عنوان علم مطالعه روابط قدرت‌ها یاد می‌شود.

بحران عراق سبب شد، کشورهای گوناگون به دلایل مختلف، درگیر موضوع پویایی هم‌زمان دو پوشش سیاست و جغرافیا در عراق شوند. بی‌گمان، پیدایش بن‌مایه‌های ژئوپلیتیک جدید عراق پس از سقوط صدام حسین، در این زمینه، نقش اساسی دارد؛ در واقع، در نقشه ژنتیک سیاست و جغرافیا در عراق جدید، موتاسیونی جالب رخ داده که سبب شده‌است همه کشورهای همسایه عراق، خود را به نوعی، درگیر رقابت تازه ژئوپلیتیک تصور کنند. ترکیه به دلیل مسئله کردها، اردن و مصر به دلیل انزوای سنی‌ها، لبنان و سوریه و فلسطین به دلیل قدرت‌گرفتن شیعیان در عراق جدید، اسرائیل به دلیل نگرانی از شکل‌گیری یک ائتلاف جدید قدرت در منطقه خلیج فارس (Barzegar, 2008: 79) و عربستان، قطر، بحرین و امارات متحده عربی به دلیل واژه از شکل‌گیری هلال شیعی (برزگر، ۱۳۸۷: ۲۸-۲۹؛ Alpher: 2008: 135)، همگی سبب شده‌اند بتوان از یک عراق بسیار متمایز با دوران پیشین نام برد.

با در نظر گرفتن عواملی مانند تقابل ایران و آمریکا، تغییر در آرمان‌های حماس، کاهش و خلع سلاح های هسته‌ای، صلح اعراب و اسرائیل، موضوع حل‌نشده حاکمیت در دریای چین، هنوز هم خاورمیانه قلب تپنده سیاست در جهان معاصر است (خلیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۲). ایران که در قلب خاورمیانه قرار دارد با ۱۵ کشور مستقل، هم‌مرز و با ۲۴ دولت، هم‌جوار است. اگر دولت‌های ایران، تنها اهمیت واقعیت جغرافیایی را به‌طور عمیق درک می‌کردند، در رفتار درازمدت استراتژیک آنها، دگرگونی‌هایی عمیق به‌وجود می‌آمد (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۳)؛ حال، اگر تعداد همسایگان یک کشور، کمتر باشد، موقعیت نسبی بهتری خواهد داشت. زیرا با افزایش تعداد همسایگان، به دلیل اینکه اغلب، خواسته‌هایی متفاوت دارند، احتمال افزایش اختلاف میان این کشور با یکی یا تعدادی از آنها پدید می‌آید (زین العابدین، ۱۳۸۹: ۱۳۱). عراق از نظر ژئوپلیتیک، مهم‌ترین همسایه ایران است که بیشترین طول مرز مشترک ایران نیز با این کشور رقم‌خورده است (۱۵۸۹ کیلومتر)؛ این در حالی است که دو قوم مهم کرد و عرب هر دو کشور نیز هم‌مرز هستند (سالارنژاد، ۱۳۸۹: ۴). محدودیت عراق در دسترسی به آب‌های آزاد، موضع فرودست در مباحث هیدروپلیتیک، ماهیت تحمیلی مرز در کشورهای خاورمیانه، بیشترین جمعیت و شیعه، مسائل مربوط به قوم کرد و عرب، بحث‌های الحاق‌گرایی و دیاسپورا از مسائلی است که بر سیاست خارجی دو کشور ایران و عراق سایه افکنده است.

در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، نگارندگان، با تأکید بر تحلیل کدها و ژنوم‌های ژئوپلیتیک موجود در جغرافیای سیاسی ایران و عراق کوشش کرده‌اند تا میزان تأثیر ژنوم‌های ژئوپلیتیک در سیاست خارجی دو کشور را ارزیابی کرده، به این پرسش پاسخ دهند که «در عرصه تقابل سیاست خارجی، اهرم‌های ژئوپلیتیک تا چه اندازه تأثیرگذارند؟» به نظر می‌رسد، کد/ژنوم‌های ژئوپلیتیک، تأثیری بسزا در سیاست خارجی این کشورها داشته باشند. نگارندگان کوشیده‌اند تا در قالب مدلی با عنوان «مدل تقابل کد/ژنوم‌های ایران و عراق»، پیامدهای این تقابل و تأثیر آن بر سیاست خارجی دو کشور را تشریح کنند.

## الف- مبانی نظری

ژنوم ژئوپلیتیک، نقشه جغرافیایی ژنتیک سیاست در یک کشور است که تأثیری بسزا در شکل بخشیدن به رفتارهای نظام سیاسی در نظام بین‌الملل دارد؛ بنابراین همان‌گونه که انسان‌ها، مطابق با

نقشه ژنتیک خود عمل می‌کنند، کشورها را نیز کدهای ژنتیک راهبری می‌کنند<sup>۱</sup> (خلیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). ژنوم ژئوپلیتیک تحت شرایطی اگر بتواند میان منافع و اهداف ملی یک کشور یا بازیگر سیاسی با ارزش‌ها و مزیت‌های جغرافیایی کشورها و بازیگران دیگر وابستگی ژئوپلیتیک<sup>۲</sup> ایجاد کند، این وابستگی متقابل جغرافیایی، فلسفه همکاری و تعامل بین‌المللی و توسعه و تکامل سیستم جهانی می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۶). از آنجاکه ژئوپلیتیک، دانشی است که به سیاستمدار رخصت می‌دهد، از موقعیت‌های جغرافیایی سرزمین، حساسیت‌های استراتژیک دریایی و خشکی و منابع کم‌یاب اقتصادی و انرژی و آبی بهره‌بگیرد تا سیاست خارجی حکومت یا برتری خواهی‌های سیاسی منطقه‌ای و جهانی قدرت را جامه عمل بپوشاند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۹)، بنابراین در منطق این دانش، وابستگی در نقطه مقابل قدرت، استقلال و آزادی عمل قرار دارد. کشورهای وابسته به مزیت‌های جغرافیایی دیگران در صورتی که فاقد عوامل و مزیت‌های جغرافیایی تعادل‌بخش و متوازن‌کننده باشند در موضع ضعف قرار گرفته، سیاست ملی و خارجی آنها منفعل شده، منافع و اهداف ملی آنها با تهدید مواجه می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۶).

کد ژئوپلیتیک<sup>۳</sup> عبارت است از دستور کار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور که در ماورای مرزهای خود، مکان‌های جغرافیایی را ارزیابی می‌کند. کد ژئوپلیتیک به نوعی نتیجه استدلال ژئوپلیتیک عملیاتی است که شامل مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌های سیاسی-جغرافیایی مربوط به زیرساخت سیاست خارجی یک کشور است. کدهای ژئوپلیتیک هر کشور، مختص آن است و کشورها سعی می‌کنند برای رسیدن به منافع و اهداف خود بر کدهای ژئوپلیتیک دیگران تأثیر گذاشته، آنها را مورد هدف قرار دهند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۴)؛ در واقع، ژنوم ژئوپلیتیک یا نقشه ژنگان یک کشور به‌عنوان کدهایی ژئوپلیتیک از جانب کشورهای رقیب و همسایه قلمداد گشته، برنامه‌های تصویری و ذهنی سیاست خارجی یک کشور نسبت به کشور هدف را راهبری می‌کنند؛ یعنی یک کشور براساس نقشه

۱. مضمونی اینچنین، چندان بی‌سابقه هم نیست؛ سخن از «خاستگاه ژنتیک یک دولت» (گالاهر و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۹)، نمودی از آن است. کد ژئوپلیتیک در تعبیر تایلور، عبارت از دستور کار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور است که در ماورای مرزهای خود، مکان‌های جغرافیایی را ارزیابی می‌کند (Taylor, 1994: 330). شاید تعریف «مجموعه پیش‌فرض‌های سیاسی-جغرافیایی مربوط به زیرساخت سیاست خارجی یک کشور» (Taylor & Flint, 2000: 62)، رویه‌ای دیگر از همان تعبیری باشد که نگارندگان مقاله، «ژنوم ژئوپلیتیک» نام نهاده‌اند.

2. Geopolitical Dependency.  
3. Geopolitical Code.

ژنگان خود، سیاست خارجی خود را سازماندهی می‌کند و کشور رقیب هم با توجه به کدهای ژئوپلیتیک موجود در آن کشور، سعی بر خنثی‌سازی سیاست‌های خارجی آن کشور دارد. ژئوپلیتیک برای دستیابی به یک سیاست خارجی اثربخش و کارآمد بر شناسایی محدودیت‌ها و امکانات به وجودآمده از وضعیت و موقعیت‌های در حال تحول منطقه‌ای و جهانی تأکید دارد. درک ژئوپلیتیک از سیاست خارجی کشورها به تحلیل واقع‌بینانه از فضای جغرافیایی پیرامون یک واحد سیاسی، در مقیاس عملکردی نیازمند است. از این جهت، ژئوپلیتیک به‌عنوان یک عرصه مطالعاتی می‌تواند راهبردهای سیاست خارجی کشورها را تعیین و اولویت‌های اساسی آن را مشخص‌سازد (قالیاف و پورموسوی، ۱۳۸۷: ۵۵). جان کلام، تحلیل‌های ژئوپلیتیک را رابطه قدرت سیاسی بین‌المللی با محیط جغرافیایی تشکیل می‌دهد.

آرمان‌گرایان و واقع‌گرایان، به‌عنوان دو دسته از نظریه‌پردازان تأثیرگذار در روابط بین‌الملل، انسان‌ها و کشورها را درخصوص محیط زیست مورد بررسی قرار می‌دهند. آرمان‌گرایان معتقدند که با تغییر محیط سیاسی بین‌المللی می‌توان رفتار کشورها را تغییر داد. واقع‌گرایان نیز بر این باورند که موقعیت جغرافیایی کشورها اگر تنها عامل تعیین‌کننده رفتار کشورها نباشد، دست‌کم محدودکننده رفتار سیاسی آنهاست؛ علاوه‌براین، موقعیت جغرافیایی، یکی از عناصر مهم تشکیل‌دهنده قدرت ملی است که قلمرو منافع ملی کشورها را معین می‌کند؛ پس اگر رفتار سیاست خارجی کشورها تا حدود زیادی تابع شرایط زیست‌محیطی و جغرافیایی است، در نتیجه سیاست‌گذاران همواره باید در چارچوب این عوامل و شرایط تصمیم‌گیری کنند. نظریه‌پردازان ژئوپلیتیک که اغلب در طیف مکتب واقع‌گرایی قرار دارند، رفتار سیاست خارجی کشورها را تابعی از شرایط و موقعیت جغرافیایی آنها می‌دانند و تصمیم‌گیری تصمیم‌گیرندگان را در چارچوب الزامات ژئوپلیتیک تحلیل می‌کنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۵۴). درک ژئوپلیتیک از سیاست خارجی کشورها به تحلیل واقع‌بینانه از فضای جغرافیایی پیرامون یک واحد سیاسی، در مقیاس عملکردی نیازمند است؛ از این جهت ژئوپلیتیک به‌عنوان یک عرصه مطالعاتی می‌تواند راهبردهای سیاست خارجی کشورها را تعیین و اولویت‌های اساسی آن را مشخص‌سازد. در تلقی بین‌المللی، از قدرت به‌عنوان موتور محرک نظام بین‌الملل و هدف اصلی رفتار دولت‌ها برای کسب منافع و رفع تهدیدها یاد می‌شود. از آنجاکه مهم‌ترین خصیصه قدرت، پویایی است این ویژگی باعث می‌شود تا جایگاه کشورها در سلسله‌مراتب قدرت در نظام بین‌الملل پیوسته تغییر کند. درک ژئوپلیتیک نسبت به نظام بین‌الملل به‌عنوان شاکل برآمده از قدرت در

حال تحول دائمی جایگاه کشورها، حاوی بصیرتی عمیق برای سیاست خارجی دولت‌هاست. هدف نهایی ژئوپلیتیک از تشریح ساختار نظام روابط بازیگران و چارچوب‌های جغرافیایی قدرت، ارائه این دید به سیاست‌گذاران است که منابع قدرت برآیند چه عناصری هستند و چگونه بر شکل‌گیری سیستم ژئوپلیتیک جهانی و روابط قدرت در سطح جهانی و منطقه‌ای و نیز مناسبات بین‌المللی تأثیری می‌گذارند (قالیباف و پورموسوی، ۱۳۸۷: ۵۵).

### ب - پیشینه پژوهش

نامی (۱۳۸۷)، مار (۱۳۸۰)، مرادیان (۱۳۹۰)، کاتبی و راستینه (۱۳۸۸)، علوی‌پور (۱۳۸۸)، خسروی (۱۳۸۸)، دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۲)، کریمی‌پور (۱۳۷۹)، سجادی‌پور (۱۳۸۴)، تیشه‌یار و ظهیری‌نژاد (۱۳۸۴)، همگی، به لحاظ ساختاری، ژئوپلیتیک را پایدارترین عنصر تعیین‌کننده سیاست خارجی به شمار آورده، نشیب و فرازهای سیال بودن کانون‌های قدرت را سبب‌ساز پیدایش رابطه‌ای بسیارپویا میان سیاست خارجی ایران و ژئوپلیتیک تلقی کرده‌اند؛ اما، نگارندگان، با در نظر گرفتن نوعی فراتحلیل ژئوپلیتیک و بهره‌گیری از مدل تعامل و تقابل ژنوم و کد ژئوپلیتیک که بر ساخته‌ای نوآورانه است کوشش کرده‌اند، نشان‌دهند بر مبنای بن‌پارهای ژئوپلیتیک، سیاست خارجی دو کشور عراق و ایران از چه ویژگی‌هایی در برابر هم بهره‌مندند و در واقع، برتری و فراتری از آن کیست.

### پ - محیط‌شناسی تحقیق: عراق و ایران

جهان انسان‌ها در چارچوب پراکندگی‌های فضایی واکنش‌های متقابل خود، از شبکه سنگفرش گونه‌ای شکل یافته است که نماد نمایان آن را کشورها تشکیل می‌دهند؛ هریک از کشورها با نشانه‌های نمادین خود با مرزهایی شناخته‌شده و از هم مجزا می‌شوند (حیدری، ۱۳۹۱: ۵۳۳). در شاخص ساختار کشورها که عوامل، تکوین و انسجام فضا و روابط میان آنها را مشخص می‌سازد، عامل موقعیت، جایگاه استواری را به خود اختصاص می‌دهد. در نگاه ژئوپلیتیک موقعیت در میان هویت کشورها، فضاها و مکان‌ها از بنیادی‌ترین عوامل محسوب می‌شود و دیگر عوامل تحت تأثیر موقعیت قرار دارند (نامی و محمدپور، ۱۳۸۷: ۱). عراق دارای موقعیت جغرافیایی و سیاسی مهمی در منطقه‌ی خاورمیانه است؛ این کشور از طرف شمال به ترکیه، از غرب به سوریه و اردن، از جنوب به عربستان، از جنوب شرقی به کویت و از شرق به ایران محدود است. کل مرزهای عراق ۳۸۵۹ کیلومتر است که

از این میان، ۱۵۸۹ کیلومتر با ایران مرز مشترک دارد. طول نوار ساحلی این کشور در خلیج فارس که تنها مسیر دسترسی به آب‌های آزاد است حدود ۵۸ کیلومتر است که در بعضی منابع براساس حریم جزر و مد، نوار ساحلی عراق را میان ۲۰ تا ۴۸ کیلومتر برآورد می‌کنند که با این حساب، کشور عراق دارای موقعیتی به نسبت بری یا خشکی است (نامی و محمدپور، ۱۳۸۷: ۳). دارابودن طولانی‌ترین مرزهای کشور عراق با ایران و واقع شدن بیشتر شهرهای پرجمعیت این کشور در مشرق و در کنار مرزهای ایران از جمله نقاط ضعف ژئوپلیتیک کشور عراق است که آن را از لحاظ مسائل دفاعی و امنیتی آسیب‌پذیری سازد (علوی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۱۷).

ایران کشوری تأثیرگذار، قدرتمند و بازیگری توانمند در خاورمیانه است (قالیباف و پورموسوی، ۱۳۸۷: ۵۴) که با مساحتی برابر با ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع و مرزهایی به طول ۸۷۳۱ کیلومتر (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۰۸) با مجموع ۱۵ کشور مستقل و ۲۴ دولت، همجوار است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۳). از نقطه نظر طبیعی کشور ایران، دارای بستری ناامن از لحاظ جغرافیایی است به طوری که از حدود ۴۳ حادثه طبیعی در جهان، ایران به صورت بالقوه در معرض ۳۳ بلا (سیل، زلزله، گردباد، طوفان) قرار دارد. سرزمین ایران به دلیل بستر طبیعی و موقعیت جغرافیایی خود، همواره دارای شرایط ناپایدار و بی‌ثبات بوده، در معرض رویدادهای ناگوار طبیعی گوناگون قرار داشته است. به لحاظ موقعیت نسبی نیز، ایران در جایگاه فوق‌العاده استراتژیک در خاورمیانه قرار گرفته است؛ وسعت آن در خاورمیانه بعد از عربستان بی‌همتا است و دارای مرزهایی طولانی با مناطق محوری است؛ همچنین بر یکی از مهم‌ترین تنگه‌های جهان، تسلط کامل دارد و جهت‌گیری ارتفاعات آن، موقعیت دفاعی مناسبی را پدید آورده است. سطح تحصیلات بالا، همراه با تاریخ غنی، نیز به آن قدرتمندی ویژه‌ای بخشیده است؛ این ویژگی که مرهون تعامل سازنده با سایر ملت‌هاست در کنار نظامی دموکراتیک و بهره‌مند از ۱۳ درصد منابع انرژی جهان باعث شده تا در نظریه‌های اولیه ژئوپلیتیک، جایگاهی محوری یابد (قالیباف و پورموسوی، ۱۳۸۷: ۶۳)؛ در عین حال، کشور ایران با ۵۷ منبع تنش و مشاجره پایه‌ای با همسایگانش، (به طور تقریبی در قبال هر همسایه، ده منبع مشاجره فعال یا پنهان (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۳۷))، از تأثیرگذارترین و تأثیرپذیرترین کشورهای منطقه خاورمیانه به‌شمار می‌آید.

## ت- ژنوم‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر سیاست خارجی ایران و عراق

به نظر برخی تحلیلگران، تنوع و تکثر قومی در خاورمیانه نه تنها مانع تکوین دولت ملی شده و کشورها را در معرض بی‌ثباتی داخلی و مداخله خارجی قرار داده، بلکه عامل بروز کشمکش‌ها و منازعات میان دولتی نیز بوده است (خسروی، ۱۳۸۸: ۶۴). در تقسیم‌بندی قومیتی کشور عراق، ۷۵ درصد ساکنان آن عرب، ۲۰ تا ۲۵ درصد کرد و ۵ درصد باقیمانده را ترکمن‌ها، آسوری‌ها و دیگر اقوام شکل می‌دهند (علوی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۱۱). ژنوم ژئوپلیتیک وجود قومیت‌ها و مذاهب مختلف و متعارض در این کشور، خود عامل ایجاد نابسامانی‌های گوناگون در عراق و منطقه شده است.

### ۱- قوم بلوچ و مداخله‌ی عراق

مداخله خارجی در بلوچستان ایران از روابط ایران و کشورهای عربی منطقه خلیج فارس و اطراف آن سرچشمه می‌گیرد. نمونه‌ای از تأثیر درگیری‌های منطقه‌ای در طرح مسئله قومیت را در بلوچستان ایران می‌توان در روابط ایران با عراق پس از روی کار آمدن حزب بعث در سال ۱۹۶۸ جست و جو کرد. در حالی که ایران در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی از کردها در عراق حمایت می‌کرد و از این طریق، اندیشه هویت ملی آریایی کردها را در برابر عرب‌ها تقویت می‌کرد، حزب بعث عراق نیز فعالانه از رؤسای طوایف ناراضی و نخبگان تحصیل کرده بلوچ که به سیاست‌های شاه معترض بودند حمایت و بلوچ‌ها را در ایجاد سازمان‌های سیاسی یاری می‌کرد. گرچه عراق در این ماجرا دخالت بیشتری داشت، سایر کشورهای عرب از جمله سوریه و برخی شیوخ عرب در خلیج فارس نیز از بلوچ‌های ناراضی در ایران حمایت می‌کردند. این کشورها در مجموع به تبلیغ اندیشه‌ای می‌پرداختند که ریشه نژادی بلوچ‌ها را به اعراب منتسب می‌کرد (علوی‌پور، ۱۳۸۸: ۳۲۲). حامیان عرب امیدوار بودند یک هویت مشخص عرب- سنی را در برابر اکثریت فارس- شیعی برای بلوچ‌ها بیافرینند. نویسندگان عرب بر آن بودند که با ارائه شواهدی مبتنی بر عرب بودن بلوچ‌ها، نظریه آریایی بودن آنها را بی‌اعتبار سازند؛ آنها ضمن ابراز تأسف از این که بلوچ‌ها زبان عربی خود را فراموش کرده‌اند، از این جهت امیدوار بودند که بلوچ‌ها هنوز بسیاری از عناصر هویت فرهنگی و مذهبی عربی خود را حفظ کرده‌اند. مهم‌ترین سازمان سیاسی بلوچ ایرانی، یعنی جبهه آزادی‌بخش بلوچستان، تحت حمایت سیاسی، مالی و نظامی حزب بعث عراق در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ فعال شد؛ این جبهه مرکز اصلی خود را در بغداد قرارداد و برای تبلیغ مسائل قومی در



بلوچستان ایران، برنامه‌ای رادیویی تدارک‌دید. بیشتر فعالان سیاسی بلوچ در این سال‌ها در عراق یا شیخ‌نشین‌های خلیج فارس پایگاه داشتند؛ آنها در پایگاه‌های نظامی این کشور آموزش می‌دیدند و رهسپار بلوچستان ایران می‌شدند تا ضد رژیم شاه به عملیات نظامی دست‌بزنند؛ این سازمان سیاسی در قاهره و دمشق نیز دفتر داشت و مقام‌های سوری به آن، به‌عنوان نماینده یک حکومت ایالتی در تبعید، موقعت شبه‌دیپلماتیک داده‌بودند. حزب بعث عراق در مبارزه با شاه تلاش کرد ائتلافی ضدشاه متشکل از گروه‌های مختلف زبانی و مذهبی در ایران تشکیل دهد؛ به این منظور، سرلشکر پناهیان، عضو سابق ارتش ایران و فرقه دموکرات آذربایجان و عضو حزب توده یک گروه سیاسی به نام «جبهه ملی خلق ایران» در بغداد تشکیل داد؛ این گروه، شاخه‌ای به نام «حزب دموکراتیک بلوچستان» به وجود آورد و نشریه‌ای به نام *راه اتحاد* به تمام زبان‌های رایج در ایران منتشر ساخت؛ جبهه آزادی‌بخش بلوچستان نیز به‌منظور جلب حمایت سیاسی، نظامی و مالی از عراق و سایر کشورهای عرب، شعار عرب‌بودن بلوچ‌ها را مطرح کردند؛ این جبهه همچنین از ادعاهای عراق و سایر کشورهای عرب نسبت به خوزستان ایران یا به قول عرب‌ها «عربستان» حمایت کرد و ادعاهای عراق مبنی بر تعلق کامل بر شط‌العرب را پذیرفت.

## ۲- قوم‌کرد و استفاده ابزاری دو کشور

در خاورمیانه، مطالبات قومی برای کسب حقوق سیاسی، همواره تحت لوای ناسیونالیسم عرب سرکوب‌شده‌است؛ بنابراین مناقشات قومی در فضای پس از جنگ‌های جهانی، هنوز هم مسئله‌ای اساسی محسوب می‌شود. مسئله کردها نمونه بارز مناقشات است (میلتون و کلیف، ۱۳۸۵: ۹۱) کردها از آغاز، همواره به‌عنوان وسیله فشار دولت‌های همسایه بر دولت عراق مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از جمله مهم‌ترین بهره‌گیری کشورهای همسایه را می‌توان در حمایت دولت ایران از شورشیان کرد عراق در دهه ۱۹۷۰ دانست که در نهایت، دولت عراق را مجبور کرد معاهده ۱۹۷۵ الجزایر با ایران را بپذیرد که براساس آن، خط مرزی دو کشور در اروندرود به‌گونه‌ای تنظیم شد که رضایت دولت ایران را به‌همراه داشته‌باشد (علوی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۱۶). ادامه رقابت ایران و عراق پس از سال ۱۳۵۷ بر کردهای هر دو کشور تأثیر گذاشت. حزب دموکرات کردستان ایران و کومه پایگاه‌های نظامی خود را در عراق مستقر کرده‌بودند و از بغداد کمک نظامی و مالی دریافت می‌کردند؛ ایران نیز از حزب دموکرات کردستان عراق و در مواردی از اتحادیه میهنی کردستان حمایت می‌کرد. تحول ژئوپلیتیک دهه پایانی

قرن بیستم و جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس در ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ که به سقوط صدام منجر شد، همراه با آرزوی دیرینه کردها برای نیل به استقلال، زمینه را برای ایجاد خودگردانی کردها و تأسیس حکومت منطقه‌ای فدرال در شمال عراق فراهم کرد. شکل‌گیری این حکومت خودمختار که به ظاهر با حمایت گفتمان غالب نظام بین‌الملل بوده، با تثبیت موقعیت آن در قانون اساسی عراق، کسب امتیازهای برجسته از جمله به رسمیت شناخته شدن حکومت منطقه‌ای آنها و اصل فدرالیسم، قانونی اعلام شدن نیروی نظامی کردها و رسمی شدن زبان کردی در کنار مشارکت گسترده کردها در هرم قدرت حکومت مرکزی عراق جدید، باعث شده است که دولت منطقه‌ای کردستان به مرکز سیستم کردستان و همچنین به کانون تحول و تأثیرگذاری بر دیگر عناصر این سیستم تبدیل شود. درخصوص اقوام کرد دولت باید با هوشیاری کامل در سیاست خارجی خود نسبت به کشورهای عراق و ترکیه، زمینه دخالت نیروهای فرامنطقه‌ای را در این مرزها به حداقل رسانده، در سیاست داخلی با اتخاذ سیاست‌های مدبرانه، حضور نیروهای کرد را در مدیریت‌های ملی و مشارکت مردم محلی را در اداره امور منطقه افزایش دهد تا از این طریق، ضمن ایجاد اعتماد و تقویت همگرایی، همبستگی ملی، جایگزین همبستگی محلی شود.

### ۳- قوم عرب و ادعاهای انضمام طلبانه کشور عراق

هرچند موضوع تجزیه خوزستان و پیوند دادن آن با بین‌النهرین از قرن نوزدهم مدنظر بریتانیا بود و در سال‌های ۱۳۲۹، ۱۳۲۵، ۱۳۰۳ و ۱۳۳۸ ه.ش دولت‌های عراق با پشتیبانی ضمنی بریتانیا و برخی دولت‌های عربی مانند مصر، سوریه، کویت و لیبی آن را پیگیری می‌کردند؛ از آغاز تکوین حزب بعث، فکر تجزیه خوزستان و الحاق آن به عراق به عنوان هدفی کلی همواره مدنظر بوده است. در جریان جنگ هشت ساله، دولت و رسانه‌های عراق بارها به طرح این آرمان پرداختند. به نظر می‌رسد عراق در حمله به ایران دو هدف حداکثری و حداقلی ارضی و مرزی داشت؛ هدف حداکثری آن، الحاق جلگه خوزستان به ویژه قلمرو عرب‌نشین آن به عراق و هدف حداقلی، فسخ قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزایر بود (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۴۵). ادعای آزادسازی و الحاق‌گرایانه دولت عراق در زمان جنگ هشت ساله، از عواملی است که موضوع بحران و جنگ میان ایران و عراق را پیچیده می‌سازد. هر دو کشور به‌طور آشکار سعی کرده‌اند از تقسیم‌های فرقه‌ای و قومی یکدیگر بهره‌برداری کنند. هنگامی که عراق با عبور از مرز شط‌العرب (اروند رود) به استان خوزستان که بیشتر، عرب‌زبان هستند، داخل شد، تصریح کرد که

هدفش آزادسازی «عربستان» است (سالارنژاد، ۱۳۸۹: ۱۵۸). ادعای سرزمینی نسبت به استان نفت‌خیز خوزستان و اختلاف بر سر تعیین مرزهای آبی، شرایطی بسیار دشوار را در روابط دو کشور ایران و عراق رقم زده است (خسروی، ۱۳۸۸: ۷۶).

#### ۴- فرادستی هیدروپلیتیک ایران و فرودستی عراق

استفاده از منابع آبی در بسیاری از کشورهای خاورمیانه به دلایل متعدد، مانند متکی بودن به حوضه آبی خارج از مرزهای سیاسی، شیوه‌های بهره‌برداری سنتی و نادرست، اجرای پروژه‌های متعدد آبرسانی و انتقال آب، افزایش سریع جمعیت به خصوص جمعیت شهری، تلاش برای تأمین نیروی هیدروالکتریک و... به مسئله‌های سیاسی و استراتژیک مبدل شده است (احمدیان، ۱۳۸۸: ۵۰)، چون عراق هیچ رودخانه‌ای ندارد که از داخل آن کشور سرچشمه گرفته باشد و رودخانه‌هایی که به عراق وارد می‌شوند، از ایران و ترکیه سرچشمه گرفته‌اند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۶۵) این مسئله در سیاست خارجی و مناسبات دو کشور عراق و ایران نیز، حساسیتی درخور توجه دارد؛ چراکه اغلب رودخانه‌های جاری در عراق از کشورهای همسایه سرچشمه گرفته‌اند و به‌نوعی عراق را در گروگان خود قرار داده‌اند؛ بنابراین در مواقع ضروری می‌توانند اهرم فشارهای لازم را بر عراق وارد کنند. رودخانه‌های آوارچای، لاوین‌چای، بانه‌چای، همچنین رودهای چومان و شیخان که شاخه‌های اصلی زاب کوچک‌اند، نیز قزل‌سو و رودخانه‌های آب‌شمشیر، ليله، زمکان، آب زرشک، هواسان، الوند، قوره‌پور، دیره، تنگاب، چم امام حسن، کنگاگوش، کانی شیخ، سده، تلخ‌آب، گذارخوش، چم سرخ، کنجان‌چم، گوی، چنگوله، میمه و دویرج، از خاک ایران سرچشمه می‌گیرند و به خاک عراق وارد می‌شوند. برداشت‌های کلان‌مقیاس ایران از آب رودخانه‌های وارده به عراق، می‌تواند موضوع مناقشه‌های نوینی باشد که حتی منابع قدیمی مشاجره را تحت‌الشعاع خود قرار دهد (نامی و محمدپور، ۱۳۸۷: ۳۳۴).

افزایش مصرف آب در عراق و عدم استفاده بهینه از آن، موجب بروز اختلاف‌های میان این کشور و ایران شده است. دولت عراق به‌تازگی ادعا کرده است که ایران با انجام برخی اقدام‌ها روی رودخانه‌های مرزی، موجب کاهش میزان آب ورودی به عراق شده است. معاون وزارت امور خارجه ایران، ضمن رد این ادعا آمادگی ایران را برای انجام مذاکرات فنی در خصوص تقسیم فنی آب رودخانه‌های مرزی با عراق و سهم دو کشور اعلام کرده است. وی با اشاره به توافق ایران و عراق در مارس ۲۰۰۸ برای حل همه مشکلات میان دو کشور براساس معاهده ۱۹۷۵ افزوده که در موافقت‌نامه

تقسیم آب رودخانه‌ها منعقد در سال ۱۹۷۵، میزان سهم هریک از دو کشور مشخص نیست و کمیسیون متشکل از کارشناسان دو دولت در حال تعیین سهم هریک از دو طرف هستند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۶۶).

کردها نیز که جایگاهی ویژه در دولت مرکزی عراق دارند، از قرارداد ۱۹۷۵ بیش از هر چیز، خواهان اجرای موافقت‌نامه استفاده از آب رودخانه‌های مرزی آن هستند؛ زیرا آب سدهای دربندیخان و دوکان در منطقه کردستان عراق از کوه‌های کردستان ایران سرچشمه می‌گیرند و در سال‌های اخیر در ملاقات با مسئولان کشور ایران، به کرات این خواسته را تکرار کرده‌اند؛ بنابراین مسئولان مذاکره‌کننده کشور باید به این موضوع عنایت داشته باشند که به طرف عراقی پاسخ دهند که قرارداد مزبور براساس نص صریح آن به هم پیوسته، جامع و یکپارچه است و لازم است همه بندهای آن هم‌زمان به‌اجرا آیند تا بی‌جهت به طرف مقابل، امتیازی داده نشود (سجادپور و امیری‌مقدم، ۱۳۸۸: ۳۴). دنبال کردن طرح‌هایی مانند سد دوستی در گوشه شمال شرقی ایران در مرز مشترک ایران و ترکمنستان، در طول مرزهای غربی ایران در همجواری با حکومت حریم کردستان، موجب همکاری بیشتر، رواج توسعه در دوسوی مرز و باعث رشد احساس ایران‌دوستی در میان شهروندان کرد در آن سوی مرز می‌شود و از طرفی از هدررفتن آب‌های رودخانه‌های دایمی و فصلی جلوگیری می‌کند؛ در عوض به‌نظر می‌رسد اگر کشور ایران به سیاستی مشابه سیاست افغانستان درخصوص هیرمند و ساخت کمال‌خان و احتکار حق‌آبه ایران، روی بیاورد، با توجه به پیوستگی قومی و عاطفی مردم دو طرف مرز اعمال نظارت حکومت مرکزی در غرب کشور با چالش مواجه شده، موجب همگرایی بیشتر کردها بدون توجه به نقش حکومت مرکزی می‌شود؛ این سیاست از طرف حکومت حریم کردستان، خصمانه قلمداد شده، موجب بروز بحران ژئوپلیتیک دیگری در منطقه می‌شود؛ از بازتاب‌های این بحران ژئوپلیتیک، رخت‌برستن توسعه، کاهش تولید محصولات کشاورزی و نارضایتی کردهای دو طرف مرز و تشدید احساس همگرایی در میان آنهاست.

به‌طور کلی، حدود ۳۶ رودخانه‌ی مرزی در غرب ایران وجود دارند که به سمت کشور عراق سرازیر می‌شوند. چگونگی بهره‌برداری مشترک از آب رودخانه‌هایی که در غرب کشور وجود دارند می‌تواند هم به‌عنوان عنصری برای ایجاد دشمنی و هم به‌عنوان ابزاری در جهت گسترش روابط میان دو کشور ایران و عراق مورد بهره‌برداری قرارگیرد و در صورت نرسیدن این دو کشور به تفاهم درخصوص چگونگی بهره‌برداری مشترک از این رودخانه‌ها، در آینده مشکلاتی در روابط میان آنها

جدول ۱. ویژگی‌های برخی از رودخانه‌های مرزی ایران و عراق

ردیف	نام رود	موقعیت جغرافیایی	درازا در ایران (کیلومتر)	مرز مشترک ایران و عراق (کیلومتر)
۱	زاب کوچک	آذربایجان غربی	۱۵۵	۴۵
۲	قزلجه سو	کردستان	۲۸	۱۵
۳	کنگاگوش	کرمانشاه	۷۹	۷۵
۴	الوند	کرمانشاه	۱۱۷	۵۵
۵	قوره تو	کرمانشاه	۴۵	۳۴
۶	زیمکان	کرمانشاه	۱۰	-
۷	سیروان	کرمانشاه	۹۵	۴۲
۸	چنگوله	ایلام	۸۲	-
۹	تلخاب	ایلام	۵۰	۴
۱۰	کنجان چم	ایلام	۶۹	۲۰۵
۱۱	دویرج	ایلام	۲۰۲	۲۵
۱۲	میمه	ایلام	۱۶۱	۲۵

منبع: (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۶۶)

## ۵- کیفیت دسترسی کشورهای عراق و ایران به خلیج فارس

گرفتاری ژئوپلیتیک عراق در دسترسی به خلیج فارس به دلیل ساحل بسیار کوتاه، بغداد را به فکر دستاوردهای ارضی در کویت و دو جزیره وریه و بویان انداخت؛ در واقع، بخشی از علل حمله عراق به کویت، ناشی از تلاش رهبری عراق برای رفع این گرفتاری ژئوپلیتیک بود؛ راه‌حل استراتژیک دیگری که مورد توجه هر دو کشور ایران و عراق قرار گرفت منحرف‌ساختن جریان شط‌العرب (اروندرو) بود. به دنبال بحران ۱۹۶۹ روابط دو کشور بر سر رود اروندرود، ایرانیان به مطالعه امکان منحرف‌ساختن کارون به رودخانه بهمن شیر پرداختند تا هم این رودخانه را قابل کشتیرانی سازند و هم شط‌العرب را از جریان آب کارون محروم کرده‌باشند و به این طریق از دردسر شط‌العرب خلاصی‌یابند؛

البته این طرح، خیلی زود بایگانی شد. به طور کلی انجام چندین فقره عملیات نظامی عراق ضد کویت همراه با تمایل ضمنی بغداد به حاکمیت بر استان خوزستان ایران، تردیدی باقی نمی‌گذارد که چگونه دولت عراق تلاش دارد فضای تنفسی خود را در خلیج فارس وسیع‌تر سازد (مجتهدزاده، ۱۳۷۳: ۱۴۸)؛ بنابراین بزرگ‌ترین تنگنای جغرافیایی کشور عراق، کوتاه‌بودن سواحل آن نسبت به قلمرو سرزمینی است. این کشور، ایران و کویت را مانع دسترسی آزادانه خود به خلیج فارس می‌داند چراکه برای استفاده از بندر بصره باید از آب‌های ایران و برای استفاده از بندر ام‌القصر باید از آب‌های ساحلی کویت استفاده کند (علوی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۱۳). با توجه به این موضوع، امنیت در خلیج فارس به معنایی تبدیل شده که عدم ارائه راه‌حلی مناسب به دخالت هرچه بیشتر کشورهای فرامنطقه‌ای و گسیختگی پیوندهای کارآمد میان کشورهای منطقه منجر شده است (ابراهیم‌فر، ۱۳۸۷: ۹). در مقایسه با کشور عراق، یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد ایران، همانا دارا بودن مرز طولانی در خلیج فارس و دریای عمان است که ایران را به آب‌های آزاد متصل می‌کند و به تعبیر اسپایکمن، ایران را از موقعیت بحری نیز بهره‌مند می‌نماید؛ داشتن چنین ویژگی مهمی، ایران را نسبت به دیگر کشورهای همسایه و حتی منطقه جنوب غربی آسیا به خصوص کشور عراق متمایز کرده است (گل‌وردی، ۱۳۸۹: ۱۱). موقعیت خلیج فارس و دریای عمان در جنوب بهترین و مطمئن‌ترین موقع سیاسی را برای مرزهای جنوبی فراهم آورده است (اخباری و نامی، ۱۳۸۸: ۱۷۹). در اختیار داشتن تنگه راهبردی هرمز و بهره‌مندی از موقعیت گذرگاهی، ایران را به بهترین گلوگاه اقتصادی و انرژی جهان مسلط کرده است. اهمیت راهبردی تنگه هرمز جان‌کالینز را به اظهار نظر وادار کرده است: «تنگه هرمز ممکن است ما را در جنگی زود هنگام گرفتار کند. در صورت وقوع، عوامل مختلف نظیر جغرافیا، انرژی، اقتصاد و امنیت در هم می‌آمیزند و موقعیتی حساس را به وجود می‌آورند» (گل‌وردی، ۱۳۸۹: ۱۲).

## ث - سیاست خارجی ایران

به لحاظ ساختاری، ژئوپلیتیک، پایدارترین عنصر تعیین‌کننده سیاست خارجی بوده است. نشیب و فرازهای سیال بودن کانون‌های قدرت، رابطه‌ای متحول و متغیر میان سیاست خارجی ایران و ژئوپلیتیک به وجود آورده و بر ادراک نخبگان سیاست خارجی از تحولات ژئوپلیتیک، در سامانه نهایی حرکت سیاست خارجی ایران، تأثیری درخور توجه داشته است؛ بنابراین، باید بتوان توازن لازم در حل چالش‌هایی مانند تنهایی استراتژیک و ژئوپلیتیک ایران، تعیین حوزه‌های تمرکز توجه ژئوپلیتیک،

پرورش نگرش به سامانه ژئوپلیتیک در محافل تصمیم‌گیری، ژئوپلیتیک حل تعارض‌های و جهانی شدن و مدیریت چالش‌های جدید ژئوپلیتیک از جمله ژئوپلیتیک جدید شیعه، تنش‌های هیدروپلیتیک، ژئوپلیتیک قومیت و ... را برقرار کرد (سجّادپور، ۱۳۸۴: ۱۲۶).

از ابتدای تأسیس جمهوری اسلامی ایران، عواملی متعدد در شکل‌گیری سیاست خارجی ایران اثرگذار بوده‌اند. عامل ایدئولوژی اسلامی در کنار دیگر عوامل داخلی مانند ناسیونالیسم، ژئوپلیتیک، اقتصاد به‌ویژه وابستگی به درآمدهای نفتی، فرهنگ، قومیت و رقابت‌های سیاسی جناح‌های مختلف، اهمیتی خاص داشته‌است. عامل خارجی به‌معنای نظام بین‌الملل (منطقه‌ای و جهانی) نیز بر رفتار خارجی ایران تأثیری بسزا داشته‌است. با پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به دنبال کسب آزادی عمل بیشتر کشور در روابط خارجی خود و اتخاذ نقشی فعالانه‌تر و مستقلانه‌تر بود و می‌خواست در روابط بین‌الملل، صاحب ابتکار عمل باشد؛ این مسئله موجب شده تا نوعی بیگانه‌ترسی ذاتی و درونی شده و ناخشنودی از خارج که در تاریخ گذشته ایران ریشه‌داشته و در انقلاب اسلامی ایران از اهمیتی ویژه بهره‌مند بوده‌است، راهنمای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شود. ژئوپلیتیک در روند گسترش طلبی قدرت‌های بزرگ در قرن نوزدهم و بیستم و درگیرکردن ایران در «بازی بزرگی» که بازیگران آن قدرت‌های جهانی بودند، نقشی مؤثر ایفا کرد. تحول‌های نظام بین‌الملل و تحولات سیاسی و اجتماعی ایران و مهم‌تر از همه، انقلاب اسلامی و جایگزین شدن جمهوری اسلامی با گرایش استقلال‌طلبی با دیدگاه‌های به‌طور کامل، متفاوت از گذشته، هریک به‌نحوی این کشور را در تعامل سازگار یا ناسازگار با قدرت‌های جهانی درگیر کرده‌اند. جمهوری اسلامی، الگوی انطباق رضایت‌آمیز را که از دید آن تسلیم‌طلبانه و به‌ازدست‌رفتن استقلال ملی منجر می‌شد، کنار گذاشت و الگوی نه‌شرقی و نه‌غربی را که به‌معنای نفی سلطه‌ی ابرقدرت‌هاست، جایگزین آن ساخت. از آن‌جاکه رویکرد ارزشی و ایدئولوژیک انقلاب که نمود خود را در آرمان‌هایی مانند تشکیل ام‌القری اسلامی، حمایت از مستضعفان و مظلومان، مبارزه با قدرت‌های ظالم، استکبارستیزی، صدور انقلاب اسلامی و تلاش برای بیداری ملل اسلامی در عرصه سیاست خارجی نشان داد، با مقهورهای ملی و محیط بین‌المللی سازگاری نداشت، موضع‌گیری سایر کشورهای منطقه و هر دو ابرقدرت جهانی را به‌همراه آورد؛ مخالفت این کشورها با انقلاب اسلامی و تلاش‌هایی که برای براندازی آن صورت گرفت تصمیم‌گیرندگان را به این نتیجه رساند که همه آنها ضد ایران هستند و مخالفت با آنها و نظام سلطه، ضرورتی ملی و دینی است؛ نتیجه این نوع نگاه،

جهت‌گیری اعتراضی سیاست خارجی ایران بود. با گذر از شرایط انقلابی و تثبیت نظام به تدریج الگوی اعتراضی جای خود را به مدارا با جهان و تنش‌زدایی در روابط با سایر کشورها داد؛ این الگو توانست با طی کردن گفتگوهای انتقادی و سازنده، مذاکره و مفاهمه، زمینه سوء تفاهم‌های میان ایران و سایر کشورها را رفع کرده، ایران را به بازیگری فعال در عرصه بین‌المللی تبدیل کند.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی در مقاطعی در حالتی واکنشی نسبت به استراتژی‌های سلطه طلبانه، حالتی غیرواقع‌گرایانه و شعاری یافته، لذا قادر نبوده به‌نحوی واقع‌گرایانه، امکانات و محدودیت‌های ژئوپلیتیک خود را در منطقه بشناسد؛ این عدم درک، باعث شده که سیاست خارجی ایران بدون توجه به واقعیت‌ها و امکانات دیگران، به تلاش‌هایی خارج از توان خود برای شکل‌دادن به نظم مطلوب در خاورمیانه دست‌زند که نه تنها منتهی به هدف نیست بلکه هراس کشورهای همسایه و تحمیل هزینه‌هایی را به کشور نیز باعث می‌شود. ایران طی سده اخیر، دو نوع رویکرد را در سیاست خارجی خویش برگزیده است: الگوبودن و ملی‌نگری؛ نگرش جهان‌نگری. در حالت اول دغدغه نخبگان و حاکمان، ساختن ایرانی الگو و اثربخش در منطقه یا جهان بوده است؛ در رویکرد دوم، دغدغه نخبگان و حاکمان و روشنفکران ایران، ساخت ایرانی جهانی بوده است. برخی از آنان معتقد بودند که ایران باید کانون جهان اسلام شود و بیداری اسلامی را رهبری کرده، قدرت‌های بین‌المللی را سر جای خود بنشانند. می‌توان با بهره‌گیری از ابتکار هالستی در پردازش نقش‌های کشورها در سیاست خارجی در باب ایران، دو نقش ویژه یعنی «مدافع اعتقادی خاص و دولت الگو» را ویژه سیاست خارجی ایران اسلامی انقلابی دانست که به‌نحوی مضمحل در هر دو نقش، نوعی نگاه فراوطنانه نهفته است (خلیلی، ۱۳۹۰: ۱۳) از نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، عناوینی مانند اسلامی بودن (شیعی بودن) نظام سیاسی، حضور مؤثر ولایت فقیه، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، حفظ وحدت و همبستگی ملی در حوزه ارزش‌های اساسی قراردادارند به‌گونه‌ای که هرگاه عوامل خارجی، این ارزش‌های اساسی را مورد تهدید قرار دهند، امنیت خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌خطر خواهد افتاد (مرادیان، ۱۳۹۰: ۱۸۰).

### ج - سیاست خارجی عراق

عراق به دلیل وزن سیاسی و ظرفیت بالقوه اقتصادی، نظامی و جغرافیایی‌اش، یکی از بازیگران اصلی در منطقه خاورمیانه است و از این‌رو، به همان میزان که از دگرگونی‌های منطقه تأثیر می‌پذیرد،



خود بر آن تأثیرگذار است (خسروی، ۱۳۸۸: ۶۰). سیاست خارجی عراق در ۱۹۸۰-۱۹۷۵ مرحله عملگرایانه‌ای داشته‌است به طوری که توسعه سریع اقتصادی عراق، روابط آن کشور با غرب و فاصله روبه‌ازد یاد آن از اتحاد شوروی، همگی پس از سال ۱۹۷۵ در یک سیاست خارجی معتدل و واقع‌گرایانه انعکاس یافت؛ این تغییر در خلیج فارس بسیار قابل توجه بود، جایی که روابط با ایران، عربستان سعودی و شیخ‌نشین‌های محافظه‌کار خلیج فارس بهبود یافت. کمپ دیوید نیز بیشتر از هر عامل دیگری عراق را با سیاست اعراب همگون‌ساخت. در نوامبر ۱۹۷۸، رژیم عراق به منظور تشکیل اجلاسی متشکل از تمام حکومت‌های عرب (به جز مصر) برای نشان‌دادن عکس‌العمل نسبت به معاهده کمپ‌دیوید، اولین قدم را برداشت. عراق برای بار دیگر، مجبور شد تا موضع خود را در قبال مسئله فلسطین تعدیل کند، به حمایت خود از گروه تندرو نهضت فلسطین به رهبری *ابونضال* پایان‌دهد و روابط خود را با عرفات بهبودبخشد (مار، ۱۳۸۰: ۳۶۵)؛ اما آنچه در طول تاریخ یک سده گذشته عراق، بیشتر جلب توجه می‌کند، رفتار خارجی تهاجمی و ستیزه‌جویانه‌اش در نیمه قرن بیستم است (خسروی، ۱۳۸۸: ۶۰). سیاست خارجی تهاجمی عراق در دهه‌های گذشته همواره عامل نگرانی برای کشورهای همسایه آن و همچنین ثبات و امنیت منطقه‌ای بوده‌است. نگاهی عمیق به بحران‌های پیش آمده در دهه‌های اخیر، مانند سه جنگ خانمان‌سوز و روابط خصمانه عراق با کشورهای همسایه، نشان می‌دهد که تقلیل دادن عوامل این بحران‌زایی‌های مکرر به ایدئولوژی بعثی حاکم بر این کشور از دهه ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۰۳ نوعی ساده‌انگاری است و ریشه‌های بحران را باید در جاهایی دیگر بررسی کرد. وضعیت خاص ژئوپلیتیک عراق، از جمله عواملی است که در این میان می‌تواند به‌ویژه مورد توجه قرارگیرد. موقعیت ژئوپلیتیک کشور عراق، از جمله عواملی است که همواره سیاست خارجی این کشور را به شکل‌های متفاوت، متأثر ساخته‌است؛ البته تأثیر این عامل در کنار عواملی مانند ایدئولوژی و رهبری در مقاطع تاریخی مختلف به نوسان‌هایی دچار بوده، ولی به‌طور تقریبی همیشه به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی عراق به حساب آمده‌است. وجود منابع عظیم نفتی در عراق، مشکلات این کشور در دسترسی به آب‌های آزاد، وجود مرزهای طبیعی و تحمیلی با همسایگان و اختلاف بر سر نحوه استفاده از رودهای مشترک، وجود اقوام و مذاهب مختلف در این کشور که زمینه‌ای مناسب برای پدیدآمدن واگرایی‌ها در داخل کشور است می‌توانند به‌عنوان ویژگی‌های ژئوپلیتیک و عوامل بروز چالش میان عراق و همسایگانش بر شمرده‌شوند که سیاست خارجی این کشور را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند. تاریخ معاصر عراق به‌خوبی نشانگر آن است که شرایط

ویژه ژئوپلیتیک عراق، فارغ از نوع حکومتی که در این کشور بر سر کار بیاید، همواره از عوامل تعیین کننده سیاست خارجی این کشور بوده است و بررسی دقیق این ویژگی‌ها می‌تواند ما را در تحلیل آن یاری‌رساند (علوی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۰۸). به‌رحال این واقعیت را در خصوص عراق و سمت‌گیری سیاست خارجی آن نباید منکر شد که این کشور در لحظه تأسیس<sup>۱</sup> با مشکل ضعف ژئوپلیتیک متولد شد و تا لحظه‌ای که این مشکل تداوم یابد، امیدها برای توسعه و پیشرفت آن برمبنای صلح و تفاهم با همسایگان تا حدود زیادی رنگ‌خواهد باخت (علوی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۱۹) بنابراین سیاست خارجی عراق جدید نیز، همانند دوران پادشاهی و جمهوری، تا حدود زیادی از منابع پایدار و ثابت داخلی و جغرافیایی، متأثر است و ناسازگاری میان هویت و حاکمیت یا دولت و ملت، دشواری‌های ژئوپلیتیک، اقتصاد وابسته به نفت و هویت و ارزش‌های مشترک عربی از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های اصلی آن هستند و به‌رغم تغییر ساختار حقوقی، این عناصر و ویژگی‌ها چندان تغییری نیافته، بعید است در آینده نزدیک، دگرگون شوند (خسروی، ۱۳۸۹: ۵۹). می‌توان گفت سه متغیر «بقای رژیم، جلوگیری از فروپاشی جامعه و سرزمین عراق و ممانعت از مداخله خارجی»، نقشی مهم در شکل‌گیری و جهت‌دهی [سیاست خارجی عراق دارند؛ بنابراین عوامل و مؤلفه‌های جغرافیایی، همواره نقشی اساسی و مستقیم در سیاست خارجی کشور عراق به‌خصوص نسبت به همسایگان مشترک در حوزه خلیج فارس ایفا کرده است.

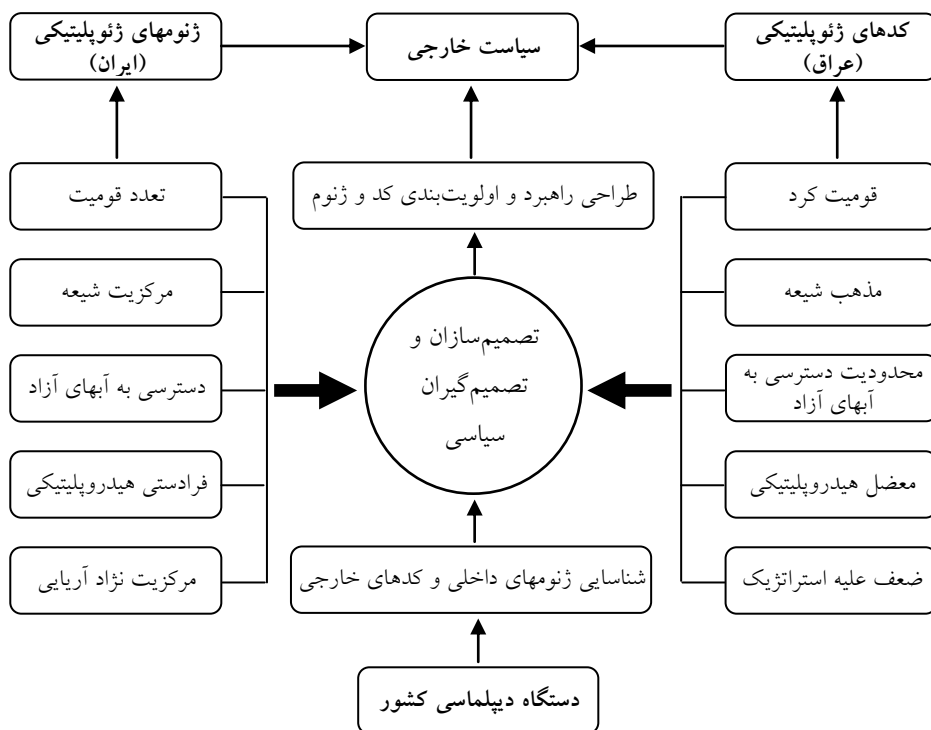
## نتیجه‌گیری

نگارندگان در مقاله حاضر کوشیدند تا با استفاده از تحلیل کدها و ژنوم ژئوپلیتیک، مدلی نظری برای بازنمایی نحوه تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها بر سیاست خارجی کشورهای ایران و عراق ارائه‌کنند.

۱. در این زمینه، نگرش‌هایی چند درباره معضل ژنتیک در زایمان دولت/کشور عراق وجود دارد؛ برخی از «دست‌ساز و مصنوعی بودن دولت در عراق» (Stansfield, 2007) نام به‌میان می‌آورند؛ برخی، از «عراق به‌منزله کشور برساخته انگلیسی‌ها پس از پایان قیمومیت‌شان بر عراق در سال ۱۹۲۰» (Dodge, 2003)، یاد می‌کنند؛ و برخی، به «یکپارچگی عراق حتی پیش از قیمومیت انگلیسی‌ها و پیوندهای گسترده میان کردها و عرب‌ها در دوران پیش از تشکیل امپراتوری عثمانی» (Haj, 1997)، باور دارند؛ اما کفه ترازو در استدلال‌های همپویند با ماهیت ژنتیک ساختار دولت‌سازی و ملت‌سازی (کشورسازی) بیشتر تقویت‌کننده هویت تصنعی و نمایشی عراق است؛ در این زمینه تاریخچه درازآهنگ درگیری‌های بسیار خشونت‌بار قومی و نژادی و مذهبی (Baram, 1997; Zubaida, 2002) می‌تواند نشانه‌هایی بسیار قدرتمند را پیش چشم پژوهشگران بیاورد.

یافته اصلی مقاله چنین است: کشورهای ایران و عراق هر یک دارای ژنوم‌های ژئوپلیتیک منحصر به فردی هستند که این ژنوم‌ها برای کشور رقیب به مثابه یک کد ژئوپلیتیک محسوب شده، در سیاست خارجی، تأثیرگذاری بسزا دارند؛ بر این اساس، مدل زیر برای تبیین چگونگی تأثیر کدها و ژنوم‌ها بر سیاست خارجی ایران در قبال کشور عراق ارائه می‌شود.

### مدل شماره ۱. چگونگی تأثیر کد/ ژنوم‌های ژئوپلیتیک در سیاست خارجی ایران



طراحی مدل: (نگارندگان)

بر مبنای این مدل، دستگاه دیپلماسی کشور به شناسایی کدهای ژئوپلیتیک کشور مورد هدف (عراق) براساس ژنوم‌های ژئوپلیتیک کشور خودی اقدام می‌کند. کدها و ژنوم‌های ژئوپلیتیک به‌عنوان عواملی مؤثر بر جریان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سیاسی تأثیر می‌گذارند؛ از این رهگذر براساس توانایی‌های ژنومیک و پتانسیل‌های تأثیرپذیر از ژنومی که از آنها به‌عنوان کدهای ژئوپلیتیک یاد می‌شود، اصول سیاست خارجی کشور شکل می‌گیرد؛ یافته دیگر مقاله، این است که در جریان تقابل

کدها و ژنوم‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران و عراق، براساس برتری نسبی موقعیت و وزن ژئوپلیتیک بیشتر ایران، و گرفتاری ژئوپلیتیک کشور عراق در زمینه دسترسی به خلی فارس و پیوندهای مذهبی شیعیان<sup>۱</sup> و نژادی کردها با از ایران، در صورت استفاده از موقعیت و وزن ژئوپلیتیک در سیاست‌گذاری‌های ایران در عرصه سیاست خارجی، توانایی تغییر رفتار عراق به‌وسیله ایران وجود دارد.

کشورها به‌عنوان بازیگران اصلی عرصه بین‌الملل ناگزینند با دیگر بازیگران در مقیاس‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی تعامل داشته‌باشند که از طریق دستگاه دیپلماسی کشور، کانال‌های ورود به این عرصه مشخص و طراحی می‌شوند. در این مدل حلقه مرکزی و منشأ شکل‌گیری سیاست خارجی یک کشور نشان‌داده می‌شود که در حلقه مرکزی، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران سیاسی، با هر مرام سیاسی و گرایش حزبی و ایدئولوژی وجود دارند؛ اما این تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان سیاسی از آزادی عملی نامحدود بهره‌مند نبوده، سیاست‌ها و اندیشه‌های آنها در مسیر ورود به کانال سیاست خارجی به‌وسیله عواملی به نام کدهای ژئوپلیتیک کشور هدف و ژنوم‌های ژئوپلیتیک کشور مقصد محدود می‌شوند؛ در واقع، ژنوم‌ها و کدهای ژئوپلیتیک به‌عنوان تابلوهای دو طرف کانال سیاست خارجی قلمداد می‌شوند که نمایان‌گر محدودیت‌ها و مقدرات‌اند. تابلوهای قرارگرفته در سمت ژنوم-های ژئوپلیتیک، در اتخاذ استراتژی افزایش قدرت ملی در راستای توسعه دامنه نفوذ در عرصه سیاست خارجی نقش‌ایفا می‌کنند؛ درحالی‌که، ژنوم‌های ژئوپلیتیک در اتخاذ استراتژی کاهش قدرت کشور رقیب و هدف به‌کارگرفته می‌شوند؛ در واقع، شناسایی کد و ژنوم‌های ژئوپلیتیک در عرصه سیاست خارجی از عوامل اصلی ایجاد انگاره‌های ژئوپلیتیک و نگرش‌های استراتژیک خاص نسبت به سایر رقبا به‌خصوص همسایگان رقیب هستند؛ به‌طوری‌که از پتانسیل تحت تأثیر قراردادن موازنه قدرت و چانه‌زنی دیپلماتیک دستگاه‌های دیپلماسی کشورها بهره‌مندند.

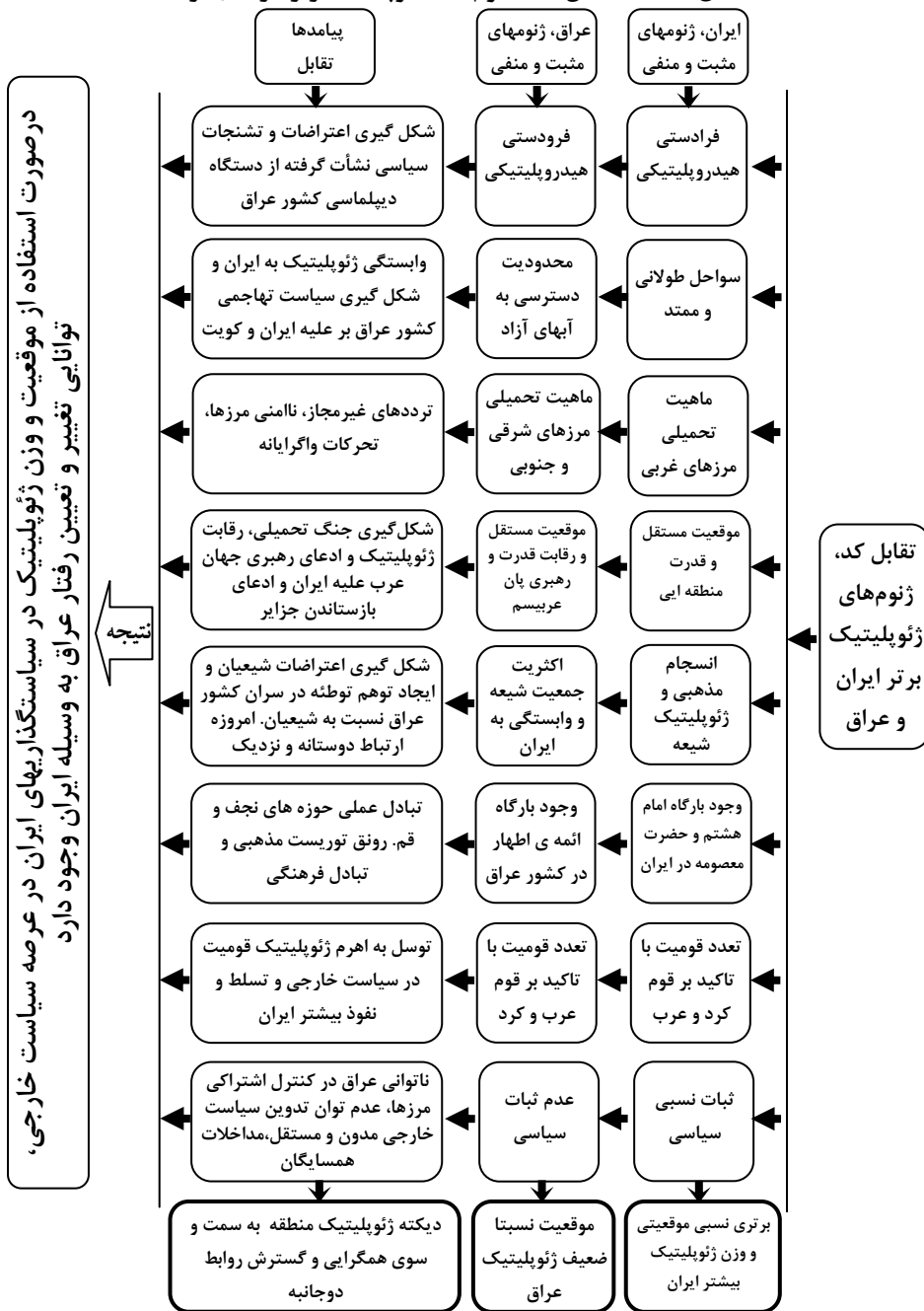
در این مدل کدهای ژئوپلیتیک متعددی بر پیکره جغرافیای سیاسی عراق متصورند که اهم آنها

۱. پس از تهاجم آمریکا به عراق و سقوط صدام حسین، در واقع، شیعیان به‌نوعی جهش ژنگانی در ساختار قدرت سیاسی در عراق، دست‌یافتند؛ زیرا، تا پیش از سرنگونی حزب بعث، شیعیان، پنج دشواری اساسی درجهت زیست دسته‌جمعی در عراق داشتند: حضور ضعیف در ساخت قدرت سیاسی، وضعیت بد اقتصادی، حاشیه‌نشین شدن شیعیان به‌دلیل رشد و نمو پان عربیسم سنی‌گرای یعنی، محروم‌سازی شیعیان از برخی از حقوق شهروندی، و سکولاریزاسیون تضعیف‌کننده نهاده‌ها و پایگاه دینی شیعیان به‌منزله برآمده طبیعی از نظریه و پراتیک حزب بعث (Jabbar, 2003: 69-70).

عبارت‌اند از: قوم کرد و مذهب شیعه؛ از طرفی در کشور ایران نیز ژنوم‌های ژئوپلیتیک متعددی که در تقابل با کدهای کشور عراق وجود دارند که عبارت‌ند از: تعدد قومیت‌های بومی ایرانی با دنباله فرامرزی و مرکزیت شیعه؛ حال اگر تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان سیاسی در استراتژی‌های اتخاذشده خود، سیاست‌هایی اتخاذکنند که به فعال‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک در راستای تأثیرگذاری بر کدهای ژئوپلیتیک کشور عراق منجر شود، در عرصه سیاست خارجی توان تفوق سیاست‌های ایران به چند برابر افزایش می‌یابد؛ به‌طور نمونه از آنجا که قوم کرد، قومی آریایی است که با دیگر اقوام ایرانی، نژاد مشترک، پیشینه تاریخی و تمدنی مشترک و خاطرات سیاسی مشترک دارد و از طرفی در جغرافیای سیاسی ایران در حاشیه کشور قرار داشته، درصد کمی از جمعیت ایران را شامل می‌شود، قبایل کرد ایران دارای اختلاف مذهبی و تعدد لهجه‌اند و کمترین خطر را برای کشور ایران می‌توانند بیافرینند؛ در حالی که قوم کرد در عراق قسمت اعظم شمال و غرب عراق و مناطق نفت‌خیز را شامل می‌شود، حدود ۲۰ درصد از جمعیت عراق کردند، تاریخ سیاسی خشونت و به‌تبع آن خاطرات سیاسی متحدکننده‌ای ضد حکومت مرکزی عراق دارند و از توان تأثیرگذاری زیادی در سیاست خارجی و داخلی عراق بهره‌مندند؛ بنابراین یکی از کدهای تأثیرگذار بر سیاست خارجی عراق و تحت تأثیر قرارداد سیاست‌های این کشور، استفاده از اهرم قومیت است. نمونه آن، حمایت از شورش کردهای عراق در زمان پهلوی دوم و تحت تأثیر قرارداد سیاست کشور عراق در جریان قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر است؛ این مزیت در خصوص سایر کدها و ژنوم‌ها به نفع ایران وجود دارد. البته اگر یک کشور از شناسایی و به‌کارگیری ژنوم‌های ژئوپلیتیک خود در عرصه سیاست خارجی عاجز باشد، آن ژنوم‌ها از طرف کشور رقیب به‌عنوان کدهای ژئوپلیتیک ارزیابی شده، سیاست‌های خود را در راستای تحت تأثیر قرارداد کشور هدف از آن ناحیه تدوین می‌کنند.

در پاسخ به این پرسش که «چگونه بحث فرصت‌ها و چالش‌ها را می‌توان از مدل نظری بیرون آورد؟»، چنین استدلالی را می‌شود ارائه کرد که فرصت‌آفرینی یا چالش‌آفرینی ژنوم‌ها و کدهای ژئوپلیتیک تحت تأثیر عواملی چند است که اصلی‌ترین آنها عبارت‌اند از: فضای استراتژیک حاکم بر منطقه، نوع و سطح رابطه سیاسی کشورهای همسایه، پیمان‌های سیاسی و نظامی و وابستگی کشور همسایه به قدرت‌های فرمانطقه‌ای، تضادهای ایدئولوژیک و ذخایر و منابع طبیعی مشترک در مرزها؛

مدل شماره ۲ تقابل کد / ژنوم‌های ژئوپلیتیک برتر ایران و عراق



در صورت استفاده از موقعیت و وزن ژئوپلیتیک در سیاستگذاران ایرانی در عرصه سیاست خارجی، توانایی تغییر و تعیین رفتار عراق به وسیله ایران وجود دارد

نتیجه

تقابل کد، ژنومهای ژئوپلیتیک برتر ایران و عراق

طراحی مدل: (نگارندگان)

این عوامل می‌توانند ژنوم‌ها و کدهای ژئوپلیتیک را در راستای چالش‌آفرینی یا فرصت‌آفرینی برای کشورهای همسایه فعال‌کنند؛ به‌طوری‌که ممکن است کشورها تحت تأثیر انگیزه‌ها، نیروها، اهداف و منافع در یکی از سه حالت همکاری، رقابت و تعارض قرار بگیرند (قوام، ۱۳۸۳: ۲۴۵). در واقع، اگر نیروهای سیاسی فعال در یک سازه ژئوپلیتیک اعم از درونی و بیرونی، براساس خصیصه‌های ساختاری و کارکردی درون‌منطقه‌ای با یکدیگر به تفاهم و همسویی برسند و نوعی همبستگی و وابستگی متقابل توأم با درک مشترک نسبت به امور منطقه فراهم‌آید، سازه ژئوپلیتیک به‌صورت تک‌معیاری و چندمعیاری به کمال همگرایی می‌رسد و بسترساز یک سازمان منطقه‌ای می‌شود؛ یعنی باید تلاش‌های توجیهی و دیپلماتیک، رایزنی‌ها و لابی‌ها و سیاست‌های تنش‌زدایی در روابط توسعه‌یابد و نوعی خودآگاهی درون‌منطقه‌ای برای ضرورت توسعه همکاری متقابل و برقراری صلح و امنیت در منطقه شکل‌گیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۲). با توجه به تحول‌های شکل‌گرفته در کشور عراق، فرصت‌های زیادی در راستای همکاری‌های بیشتر در تمام عرصه‌ها شکل‌گرفته که در مقایسه کدها و ژنوم‌ها نمایان است که قدرت تأثیرگذاری و چانه‌زنی ایران در عرصه سیاست خارجی درخصوص کشور عراق بسیار بالاتر است. هرچند در عرصه‌هایی مانند شکل‌گیری حکومت کردستان در عراق و برقراری نظام فدرالیسم یا ناحیه‌ای در آن کشور و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای، چالش‌هایی برای کشور ایران ممکن است به‌وجودآید. از یافته‌های دیگر پژوهش، شناسایی و دسته‌بندی پتانسیل‌های مرتبط با فرصت‌ها و تهدیدهای شکل‌گرفته در مرزهای همجوار با کشور عراق است که در قالب دو جدول زیر می‌آیند.

**جدول ۲: فرصت‌های ایران در مرزهای همجوار با کشور عراق (منبع و ترسیم: نگارندگان)**

ردیف	فرصت‌ها
۱	شکوفایی قابلیت ترانزیتی استان‌های کردنشین و خوزستان به‌دلیل همجواری با کشور عراق و موقعیت دسترسی به آب‌های آزاد، به‌منظور فقرزدایی از این استان‌ها و گسترش ارتباط با کشورهای حوزه‌ی جنوب خلیج فارس
۲	تقویت نقش ترانزیتی ایران و دولت کردستان و تقویت بازارچه‌های مرزی
۳	امکان استفاده از قابلیت نژاد مشترک با کردهای عراق و تجانس مذهبی با شیعیان در جهت منزوی ساختن عنصر سنی در عرصه سیاست‌گذاری خارجی کشور عراق

**۱۵امه جدول ۲: فرصت‌های ایران در مرزهای همجوار با کشور عراق**

ردیف	فرصت‌ها
۴	شرایط ممتاز ایران برای تصدی نقش در بازرگانی ملی و ترانزیت خارجی میان اروپا و آسیای مرکزی با آسیای شرقی و جنوبی و امکان ایجاد و توسعه مبادلات قانونی در زمینه برق و گاز
۵	استفاده از ظرفیت‌های بندری کشور ایران در راستای توسعه مبادلات اقتصادی کشور عراق و کم‌رنگ‌شدن تنش‌های نشأت‌گرفته از بحران ژئوپلیتیک اروندرود
۶	انتقال گاز طبیعی از منطقه عسلویه و استان ایلام به عراق
۸	امکان اتصال خط آهن از آذربایجان غربی به شمال کشور عراق
۹	وجود فضاهای طبیعی بدیع دریایی و تاریخی برای توسعه صنعت توریسم
۱۰	وجود مرقد مطهر امام رضا (ع) و حضرت معصومه (ع) در ایران و مرقد ائمه اطهار (ع) در راستای جذب توریست‌های مذهبی

منبع: (نگارندگان)

**جدول ۳. تهدیدهای همجواری ایران با عراق، منبع و ترسیم: نگارندگان**

ردیف	تهدیدات با منشأ خارجی و داخلی
۱	مجاورت با محور انتشار افکار پان‌عربیسم و تجزیه‌طلبانه قوم کُرد
۲	سرمایه‌گذاری عظیم دیگر کشورها در زمینه اقتصادی و کمک بلاعوض به عراق و حضور نظامی آمریکا
۳	عدم وجود ارتباطات بانکی، مالی و پولی مناسب با کشورهای همجوار
۴	توجه صرف به بازارهای کشورهای همسایه و عدم حضور کشور مقابل در بازارچه‌های منتهی به مرز
۵	پایین‌بودن سطح بهداشت در مناطق مجاور مرزهای خارجی ایران و انتقال انواع بیماری‌ها به داخل مرزهای کشور
۶	تردهای مرزی و مبادلات میان طوایف استان‌های کردنشین و عرب‌نشین با کشور عراق و مشکل شدن اعمال حاکمیت و کنترل مرزی
۷	تأثیرگذاری عقب‌افتادگی و توسعه‌نیافتگی مرزنشینان عراق بر فرهنگ ساکنان مناطق مرزی به دلیل وجود ارتباط میان آنها
۸	بروز اختلاف و برخورد میان کشورهای منطقه و بروز ناآرامی‌های سیاسی (عراق، سوریه و ترکیه)
۹	وجود گروه‌های تروریستی و معاند مانند: حزب پژاک و کومله و دموکرات کردستان



۱۵امه جدول ۳. تهدیدهای همجواری ایران با عراق، منبع و ترسیم: نگارندگان

ردیف	تهدیدات با منشأ خارجی و داخلی
۱۰	تعصب‌های شدید مذهبی با گرایش وهابی از طریق حمایت عربستان سعودی در ابعاد گوناگون در عراق
۱۱	پراکندگی قوم کرد در سه کشور ایران، عراق و ترکیه و اشتراکات قومی، زبانی و مذهبی
۱۲	احیای قدرت فرقه‌های القاعده، احزاب سنی و وهابیون افراطی با همراهی و موافقت کشورهای اشغالگر عراق
۱۳	حضور قدرت‌های مداخله‌گر مخالف ایران در عراق به دلیل عدم حضور به‌موقع و مناسب ایران در خلاء قدرت ایجادشده و احتمال پیوستن عراق به پیمان نظامی آمریکامحور ناتو و تکمیل حلقه محاصره فیزیکی ایران
۱۴	حضور و نفوذ جاسوسان و سرمایه‌گذاران اسرائیلی در منطقه خودمختار کردستان عراق
۱۶	تأثیرگذاری شکل‌گیری دولت کردستان عراق در افزایش مطالبات قوم کرد در ایران
۱۷	افزایش شدید هزینه‌های بهداشتی و درمانی به دلیل ارائه خدمات به اتباع خارجی در استان‌های غربی در مواقع بروز بحران‌های اساسی در عراق
۱۸	تنوع و تکثر جریان‌های سیاسی، مذهبی و فرهنگی و عدم اعمال کنترل بر این جریان‌ها به‌همراه منازعات، تعارض‌ها و واگرایی اجتماعی ناشی از آن
۱۹	عدم وجود ارتباط ریلی با داخل کشور و کشور عراق به دلیل ضعف ساختارهای ارتباطی در استانهای کردنشین
۲۰	افزایش میزان استفاده از آب رودخانه‌های مرزی و شکل‌گیری تعارض‌های هیدروپلیتیک به دلیل وابستگی شدید عراق
۲۱	تقدم سیاست‌های امنیت‌محور بر سیاست‌های توسعه‌محور در استان‌های هم‌مرز با کشور عراق

منبع: (نگارندگان)

منابع

۱- منابع فارسی

- ابراهیمی‌فر، طاهره (۱۳۸۷)، «نظم نوین امنیتی در خلیج‌فارس بعد از اشغال نظامی عراق»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۲، بهار ۱۳۸۷.

- احمدیان، محمدعلی (۱۳۸۸)، *ویژگی‌های جغرافیایی کشورهای اسلامی*، مشهد: سخن گستر، چ ۴.
- اخباری، محمد و محمدحسن نامی (۱۳۸۸)، *جغرافیای مرز با تأکید بر مرزهای ایران*، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۷)، *ایران، عراق جدید و نظام سیاسی-امنیتی خلیج فارس*، تهران: دفتر گسترش تولید علم معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- تیشه‌یار، ماندانا؛ و مهناز ظهیری‌نژاد (۱۳۸۴)، *سیاست خارجی عراق: بررسی نقش ژئوپلیتیک عراق در روابط با همسایگان*، تهران: مؤلفان.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸)، «استفاده از منابع آب رودهای مرزی ایران و عراق و حقوق بین الملل»، *پژوهش حقوق و سیاست*، سال یازدهم، شماره ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: پایلی.
- حیدری، جهانگیر (۱۳۹۱)، «راهبرد تبدیل مرزهای تهدید استراتژیک به مرزهای امن (مطالعه موردی: مرزهای غربی کشور)»، *مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران*، رشت: دانشگاه آزاد اسلامی.
- خسروی، غلامرضا (۱۳۸۹)، «مؤلفه‌های داخلی پایدار و مؤثر بر سیاست خارجی عراق جدید»، *مطالعات راهبردی*، سال سیزدهم، شماره ۱، بهار.
- خلیلی، محسن (۱۳۹۰)، «بن‌مایه دگرگون‌شونده ژنوم ژئوپلیتیک در خاورمیانه عربی»، *مجموعه مقالات همایش اسلام و تحولات خاورمیانه*، تهران: سوم اسفند.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۲)، «منطق ژئوپلیتیک در سیاست خارجی عراق: علل و پیامدها»، *مطالعات خاورمیانه*، سال دهم، شماره ۲، تابستان.
- زین‌العابدین، یوسف (۱۳۸۹)، *ژئوپلیتیک (ایده-کاربرد)*، رشت: دانشگاه آزاد اسلامی.
- سالارنژاد، مؤمن (۱۳۸۹)، *تأثیر الگوی نظام سیاسی فدرال احتمالی عراق بر امنیت داخلی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

- سجّادپور، سیدمحمدکاظم؛ رضا امیری‌مقدم (۱۳۸۸)، «نقش سازوکارهای حقوقی در حل و فصل منازعات ژئوپلیتیک، مطالعه موردی: عهدنامه مرزی حسن هم‌جواری ۱۹۷۵ الجزایر»، ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره ۲، پاییز.
- سجّادپور، سیدمحمدکاظم (۱۳۸۴)، «ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران: تداوم و تغییر»، ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره ۱، بهار.
- علوی‌پور، سیدمحسن (۱۳۸۸). «ژئوپلیتیک عراق و امنیت در منطقه خلیج فارس». *مطالعات خاورمیانه*، سال شانزدهم، شماره ۲.
- قالیباف، محمدباقر و سیدموسی پورموسوی (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه و سیاست خارجی ایران، *پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۶۶.
- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۳)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران: سمت، چ ۱۰.
- کاتبی، محمود و احمد راستینه (۱۳۸۸)، «دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی ایران و ژئوپلیتیک نوین عراق»، *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۳، پاییز.
- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۷۹)، *مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)*، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- گالاهر، کارولین و دیگران (۱۳۹۰)، *مفاهیم اساسی در جغرافیای سیاسی*، ترجمه محمدحسن نامی و علی محمدپور، تهران: زیتون سبز.
- گل‌وردی، عیسی (۱۳۸۹)، «مرزها، آسیب‌ها و کارکردها»، *برنامه سیاست‌گذاری سیاسی دفاعی و امنیتی*، سال اول، شماره ۲، زمستان.
- مار، فب (۱۳۸۰)، *تاریخ نوین عراق*، ترجمه محمدعباسپور، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۳)، *کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس*، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- مرادیان، محسن (۱۳۹۰)، «مدل‌سازی ریاضی برای سنجش امنیت خارجی، مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران». *ژئوپلیتیک*، سال هفتم، شماره ۱، بهار.

- مورلی، میلتون ادوارد و پیتر هینچ کلیف (۱۳۸۵)، *بحران در خاورمیانه*، ترجمه شهرزاد رستگار شریعت‌پناهی، تهران: قومس.
- نامی، محمدحسن و علی محمدپور (۱۳۸۷)، *جغرافیای کشور عراق با تأکید بر مسائل ژئوپلیتیک*، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

## ۲- منابع لاتین

- Alpher, Y. (February 6, 2008), "Stopping Iran Must be the Objective in Iraq", *the Strategic Interest*.
- Baram, A. (1997), "Neo- tribalism in Iraq: Saddam Hussein's tribal policies 1991-96", *International Journal of Middle East Studies*, vol. 29, No. 1, pp.1-31.
- Barzegar, K. (2008), "The Shia Factor", *Eurasian review of Geopolitics*, Issue 1, 2008, pp. 76-83.
- Dodge, T. (2003), *Inventing Iraq: The Failure of Nation Building and a History Denied*, New York: Columbia University Press.
- Haj, S. (1997), *The Making of Iraq, 1900-1963: Capital, Power, and Ideology*, Albany: State University of New York Press.
- Jabbar, F. (2003), *The Shiite Movement in Iraq*, London: Saqi Books.
- Stansfield, G. (2007), *Iraq: People, History, Politics*, Cambridge: Polity Press.
- Taylor, P. (1994), *Political Geography*, London: Longman.
- Taylor, P.; Flint, C. (2000), *Political Geography*, London: Pearson Education Limited.
- Zubaida, S. (2002), "The fragments imagine the nation: the case of Iraq", *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 34, No. 2, pp. 205-215.

## Modeling Geopolitical Genomes Affecting Iran-Iraq Foreign Policy

Mohsen Khalili<sup>1\*</sup>  
Jahangir Heydari<sup>2</sup>  
Hadi Sayyadi<sup>3</sup>  
Hossein Asghari Sani<sup>4</sup>

Received on: 9/29/2013

Accepted on: 2/3/2014

### Abstract

Geopolitical Genome is the geographical genetic and variable map of the politics and derived from geography of a country that affects foreign policy. Identifying geopolitical viewpoints coming from geopolitical genomes of the neighbors and identifying the geopolitical codes existing in the target countries can play a key role in adopting foreign policy in parallel with geopolitical weight. With respect to historical, cultural and racial commonalities between Iran and Iraq and the influence of regional and trans-regional powers in this country it is necessary to identify and study the genomic geopolitical map of Iraq for directing Iran's foreign policy toward this country. Placing emphasis on analysis of geopolitical codes and genomes in the political geography of Iran and Iraq, the authors have tried to analyze the consequences of this contradiction and its influence on bilateral foreign policy by presenting a model entitled "contradiction of Iran-Iraq codes/genomes".

**Keywords:** Geopolitical Genome, Geopolitical Code, Foreign Policy, Iran, Iraq.

---

1\* . Associate Professor of Political Sciences, Ferdowsi University of Mashad.  
(Corresponding Author: khalilim@um.ac.ir)

2 . MA in Political Geography, Ferdowsi University of Mashad.

3 . MA in International Relations, Ferdowsi University of Mashad.

4 . MA in International Relations, Ferdowsi University of Mashad.